

اخبار حوادث

قتل خونین پسر جوان در شرق تهران

درگیری خیابانی پنج جوان در شرق تهران با مرگ پسر ۱۸ ساله پایان گرفت. عقر به هاساعت یک ظهر سه شنبه ۱۵ آبان ماه سال جاری رانشان می داد که ماجرای درگیری پنج جوان در خیابان امین به ماموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس مخایره شد. خیلی زود ماموران برای پایان دادن به این درگیری در محل حاضر شدند که مشخص شد پسر جوانی از ناحیه سینه هدف ضربه چاقو قرار گرفته و به بیمارستان تهرانپارس منتقل شده است. تحقیقات ابتدایی نشان از آن داشت که سه جوان با دو جوان دیگر در خیابان امین درگیر شده اند که در این ماجرا جوان ۱۸ ساله با ضربه چاقو زمینگیر شده و سه پسر جوان پس از زمینگیر کردن جوان ۱۸ ساله پا به فرار گذاشته اند. تلاش پزشکان برای نجات جان پسر جوان در بیمارستان تهرانپارس ادامه داشت اما ساعت ۹ سه شنبه شب جوان ۱۸ ساله به خاطر شدت جراحات و خونریزی زیاد روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد. بدین ترتیب تیمی با جنایی شدن این پرونده تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس ویژه قتل برای تحقیقات ویژه وارد عمل شده و جسد پسر جوان نیز برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد



گروگانگیری دزد فراری در برابر چشمان پلیس

رئیس پلیس آگاهی تهران از دستگیری سارق حرفه ای خودرو و باشلیک گلوله گشت پلیس آگاهی خبر داد که سعی داشت برای فرار از دست ماموران اقدام به گروگانگیری راننده پراید کند. سردار علیرضا لطفی در توضیح این خبر گفت: ماموران گشت پلیس آگاهی تهران بزرگ به راننده مرد اما مشکوک و دستور توقف داده که وی بر خلاف دستور ایست پلیس اقدام به فرار می کند. راننده مرد ۳۳۲ برای فرار از دست مامورین این بار به صورت خلاف جهت که با پژو ۲۰۶ سفید رنگ با شدت بر خورد می کند و همزمان ماموران لاستیک مردار را مورد هدف گلوله قرار می دهند. با وجود متوقف شدن خودرو و مسروق، راننده آن از خودرو پیاده شده و به زور سوار یک خودرو پر اید کاستری می شود و با گذاشتن چاقو زیر گلولی راننده آن که مردی میانسال بوده قصد گروگانگیری و سرقت خودرو را می کند که ماموران گشت پلیس آگاهی تهران بزرگ قبل از هر گونه اقدام در این خصوص به سرعت وارد عمل شده و متهم را از ناحیه پا مورد هدف گلوله قرار می دهند. رئیس پلیس آگاهی تهران در ادامه این خبر گفت: در زمان دستگیری متهم و در همان بررسی اولیه، علاوه بر چاقو، یک افشانه همراه آلات و ادوات مورد استفاده در سرقت خودرو و نیز از متهم کشف می شود. بنا به این گزارش، متهم که جوانی ۲۵ ساله است برای انجام اقدامات درمانی به بیمارستان منتقل شد تا پس از انجام اقدامات درمانی در اختیار اداره دوم پلیس آگاهی تهران قرار گیرد.



آزادی هفت زندانی ایرانی در ارمنستان

هفت زندانی ایرانی در ارمنستان در پی اعلام عفو عمومی از سوی دولت این کشور، روز سه شنبه همزمان با رحلت نبی مکرم اسلام حضرت محمد(ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) آزاد شدند. این رویداد در راستای دیپلماسی فعال ایران در ارمنستان و ارتباط مراکز ذی ربط با مقام های پلیسی امنیتی و قضایی ارمنستان به منظور آزادی یا انتقال محکومان ایرانی به کشور مان تحقق یافته است. در این گزارش بدون اشاره به جزئیات مربوط به زندانیان ۱۰ اقدام در راستای حسن تفاهم و روابط دوستانه بین دو کشور صورت گرفته است و وضعیت سایر زندانیان ایرانی نیز در چار چوب لایحه عفو عمومی دولت ارمنستان و موافقتنامه انتقال محکومین بین ۲ کشور در دست بررسی است.

محسن رادر مخفیگاهشان دستگیر و به تهران منتقل کنند. عیاض که راهی جز اعتراف به سرقت ۷۰ هزار دلار منصور نداشت ادعا کرد به شیوه بدل اندازی پول ها را به سرقت برده است و این در حالی بود که منصور در اظهاراتش گفته بود که این دو مرد با در دست داشتن تفنگ، سناریوی سرقت شان را به اجرا گذاشته است. کار آگاهان در تحقیقات پلیسی پی بردند که هر دو متهم در گذشته نیز به شیوه بدل اندازی در منطقه پاکدشت تهران اقدام به سرقت پول های طعمه هایشان کرده اند و پس از آزادی بار دیگر با همان شیوه اما اینبار به صورت مسلحانه دست به دردی زده اند. بنا به این گزارش، باز پرس پرونده خواست تا کسانیکه به این شیوه هدف سرقت های این دو مرد جوان قرار گرفته اند به اداره یکم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

اینکه تصمیم به انتقام گیری گرفتم. وی افزود: قصد داشتم با اجرای نقشه ام، زهره را مجبور کنم که مغازه اش را تغییر دهد و مشترانش نیز از ترس به مغازه من بیایند اما بی فایده بود ولی از اینکه این اتفاق برای او افتاد خوشحال بودم و فکر نمی کردم دستگیر شوم. کار آگاهان در این مرحله جمیله را آموزش دادند که با دو جوان قوی هیکل قرار بگذارد و متهمان بدون اطلاع از دستگیری جمیله برای دیدن او پای در محل قرار گذاشتند و ماموران در عملیاتی غافلگیرانه موفق به دستگیری دو جوان قوی هیکل شدند.

اعتراف دزدان

امیر ۳۱ ساله باور نداشت به این زودی دستگیر شده باشد و وقتی شنید جمیله قسم خود را شکسته و او را لو داده است سعی کرد ادعای گمراه کننده داشته باشد اما فیلم دوربین های مدار بسته سکوت او را شکست. این جوان قوی هیکل که راهی جز اعتراف نداشت به ماموران گفت: از قدیم با جمیله در ارتباط بودم و مدتی بود از او خبری نداشتم تا اینکه با من تماس گرفت و خواست به مغازه اش بروم. وی افزود: وقتی به دیدن جمیله رفتم، شروع به درددل کرد و از من خواست تا برای کینه ای که از زن همسایه داشت کمکش کنم.

امیر ادامه داد: ابتدا درخواستش را رد کردم اما اصرار هایش باعث شد تا با همراهی دوستم نقشه ای که طراحی شده بود را به اجرا برسانیم. مرد قوی هیکل گفت: پس از حمله به زن جوان اقدام به بستن دست و پاهایش کردیم و کمی پول و وسایل مغازه را به سرقت بردیم و فکر نمی کردیم دستگیر شویم.

یاسر همدست امیر در این انتقامجویی نیز وقتی دید رازشان فاش شده است ابراز پشیمانی کرد و گفت که تنهایی خواست به امیر کمک کند و هیچ شناختی قبلی با جمیله نداشته است.

کار آگاهان پس از اعتراف متهمان به مخفیگاه آنها رفته و وسایل آرایشی سرقتی به دست آمد.

بنا به این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفته اند.

و رفتار عجیب و غریب دزدان مطمئن شدند دزدی بهانه بوده است و انگیزه دو مهاجم خشن تر ساندن زهره بوده و کینه توزانه است.

رد پای زنانه

کار آگاهان در سری تحقیقات خود به یک زن فروشنده دیگر برخوردند که در مجاورت مغازه زهره کار می کرد و شرایط مغازه اش برای دزدی دو مهاجم بهتر بود اما دزدان آن را هدف نیت خود قرار نداده اند. از این رو زهره تحت بازجویی قرار گرفت و پرده از اختلاف خودش با جمیله برداشت.

بازجویی از جمیله

کار آگاهان آبادان با توجه به اختلافات زن همسایه با زهره خیلی زوده جمیله مشکوک شدند و در همان ابتدا این زن هدف تحقیق قرار گرفت. جمیله در ابتدا ادعا کرد که اختلافش با زهره تنها به خاطر مشتریان و قیمت اجناس است و با هم رقیب کاری هستند و در ماجرای سرقت از مغازه زهره هیچ نقشی نداشته است.

دوربین های مدار بسته

تیم پلیسی در این مرحله به سراغ دوربین های مدار بسته در نزدیکی محل سرقت رفتند و در بررسی ها پلیسی تصویر دو جوان قوی هیکل به دست آمد. ماموران که به رفتارهای جمیله مشکوک شده بودند فیلم های ضبط شده چند هفته قبل تر از ماجرای سرقت از مغازه لوازم آرایشی و بهداشتی را مورد بررسی قرار دادند و با صحنه عجیبی روبرو شدند. کار آگاهان مشاهده کردند که از چندی قبل دو جوان قوی هیکل به مغازه جمیله رفت و آمد داشتند و در رفتارهای آنها نشان از شناخت و در ارتباط بودنشان با جمیله داشت.

همین کافی بود تا کار آگاهان بار دیگر جمیله را هدف تحقیق قرار دهند و زن جوان وقتی در برابر فیلم های دوربین مدار بسته قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و دو جوان قوی هیکل را لو داد.

دستگیری دو جوان قوی هیکل

جمیله در اعترافش گفت: از همان ابتدا که با زهره همسایه کاری شدم به خاطر فروش زیاد و قیمت هایی که برای اجناس می گذاشت اختلاف داشتیم و بارها با درگیری لفظی پیدا کردیم تا



جوان پس از راهایی توسط مشتری اش خیلی سریع با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و آنان را در جریان سرقت خشن قرار داد.

تحقیقات میدانی

دقایقی نگذشته بود که تیمی از ماموران کلانتری ۱۶ ذوالفقاری آبادان برای تحقیقات ابتدایی پای در محل سرقت گذاشتند و وارد مغازه زهره شدند. بررسی ها نشان می داد دزدی مر موز بوده چرا که در آن ساعت از روز چنین سرقت ریسک پذیری نمی توانست کار یک تیم دزدی بوده باشد چرا که دزدان حتی پس از تسلیم شدن زهره او را کتک زده بودند و حرف های نامربوطی زده بودند.

تیم تخصصی پلیس

همین مر موز بودن کافی بود تا با توجه به حساس بودن این پرونده، تیمی از ماموران دایره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی آبادان به دستور باز پرس پرونده وارد عمل شوند و تحقیقات ویژه را برای دستگیری دزدان خشن و قوی هیکل و راز گشایی از این اقدام خشن آغاز کردند. کار آگاهان در گام نخست، تحقیقات میدانی را کلید زدند و پس از شنیدن اظهارات زهره از روز سرقت

زهره گذاشتند و ابتدا شروع به صحبت و پرسیدن قیمت اجناس کردند آنها همزمان رفت و آمدها و شرایط مغازه را زیر نظر گرفتند و با اطمینان از تنها بودن زهره و خلوتی مغازه در آن ساعت به سمت وی حمله کردند و او را به باد کتک گرفتند. زهره ابتدا خواست داد و بیداد کند اما مردان مهاجم خیلی خشن بودند زن فروشنده خیلی زود زیر مشت و لگدهای دو جوان قوی هیکل تسلیم شده بود او دیگر مقاومت نمی کرد و مردان خشن برای اجرای نقشه شان، دست و پاهای زهره را بستند و با تهدید از او خواستند که روی زمین بخوابد.

دو پسر جوان که دستور داشتند زهره را بترسانند و ضربه مالی شدیدی به او بزنند پس از تسلیم شدن زهره، دست به سرقت زدند و با دزدیدن پول و وسایل آرایشی و بهداشتی به سرعت پا به فرار گذاشتند.

درخواست کمک

زهره در حالیکه دست و پاهایش بسته شده بود پس از فرار دزدان خشن، خودش را کشان کشان به جلوی میز کارش رساند تا اینکه یکی از مشتریان وارد مغازه شد و با صحنه بسته شدن دست و پاهای زن جوان روبرو شد. زن

در همسایگی اش بود رابطه کمی داشت و این در حالی بود که زن همسایه که جمیله نام دارد از اینکه زهره مشتریان زیادی به مغازه اش می روند حسادت می کرد و بر سر همین موضوع بارها با زهره دچار اختلاف شده بود.

کینه زنانه

جمیله که به فروش و مشتریان زیاد زهره حسادت می کرد تصمیم گرفت برای تعطیلی مغازه زهره و کم شدن مشتریان سناریوی عجیبی را به اجرا بگذارد. زن جوان پس از طراحی نقشه انتقامگیری به سراغ دو پسر جوان قوی هیکل که آنها را از قدیم می شناخت رفت و از آنها درخواست کمک کرد.

دو پسر جوان ابتدا درخواست جمیله را رد کردند اما وقتی در برابر اصرارهای این زن قرار گرفتند تصمیم به کمک گرفتند. شرط آنها این بود که نباید هیچ گاه لو بروند و جمیله با این دو پسر قوی هیکل هم قسم شد تا رازشان همیشه پنهان بماند.

حمله وحشیانه

عقر به سه ساعت ۹ صبح شبه دو مرداد ماه سال جاری رانشان می داد که دو جوان قوی هیکل پای در مغازه

گروه حوادث: زن جوان که از رقیب کاری اش کینه به دل داشت با طراحی نقشه ای دست به انتقام گیری زد. دو جوان قوی هیکل که از سوی زن جوان اجیر شده بودند پس از حمله به زن فروشنده دست به سرقت از مغازه لوازم آرایشی و بهداشتی زدند.

یکسال پیش

سال گذشته بود که زهره برای تامین هزینه زندگی اش یک مغازه لوازم آرایشی و بهداشتی در ایستگاه ۶ منطقه ذوالفقاری راه اندازی کرد و هنوز مدتی نگذشته بود که در کنار مغازه اش زن جوان دیگری یک مغازه لوازم آرایشی و بهداشتی راه انداخت.

زهره ابتدا از باز شدن این مغازه در همسایگی اش ناراضی بود اما با توجه به قیمت و قدیمی بودنش در این کار مشتریان خودش را داشت و تغییر زیادی در زمینه فروش پیدا نکرد. زن جوان هر روز ساعت ۹ صبح کر که مغازه اش را بالای داد و تا ساعت دو ظهر مشغول به کار بود و پس از بستن مغازه و استراحت دوباره از ساعت ۱۶ تا دو در مغازه اش کار می کرد و هزینه های زندگی اش را تامین می کرد. در این مدت زهره با زن جوان که

خبر

دو مرد مسلح سکه های عتیقه را می فروختند

وسوسه طلایی بعد از میهمانی شبانه

داستانسرای هایش و مشکلات زندگی اش سناریوی عجیب و وسوسه انگیزی را پیش روی منصور گذاشت. این مرد اعا کرد که در زمین کشاورزی اش مقداری سکه قدیمی پیدا کرده اما چون به کسی اعتماد ندار می ترسد درباره سکه ها با کسی حرفی بزند. مرد فریکار عنوان کرد که اگر بتوانم این سکه های طلا را بفروشم می توانم سلامت همسر م را بازگردانم و حاضرم سکه ها را زیر قیمت واقعی آن به فروش برسانم تا مشکلات زندگی ام حل شود. منصور که اسیر چرب زبانی های مرد جوان شده بود تصمیم گرفت تا برای کمک به او اقدام به خرید سکه های طلا کند و به همین خاطر قرار شد تا آنها روز دیگری برای دیدن و خرید طلاها همدیگر را ملاقات کنند. منصور و مرد جوان چند روزی از طریق تلفن با هم در تماس بودند تا اینکه روز قرار رسید و عیاض همراه جوان دیگری که ادعا می کرد دامادش است به خانه منصور رفت اما خبری از سکه های طلا نبود. مرد فریکار وقتی همراه دامادش پای در خانه منصور گذاشت ادعا کرد که به خاطر اینکه به کسی اطمینان ندارد طلاها را همراه خودش نیاورده و برای اطمینان و شناخت بیشتر پای در خانه منصور گذاشته است. منصور که با شنیدن این داستان ها لحظه به لحظه حرف های مرد جوان را بیشتر باور می کرد

گروه حوادث: دو مرد با نقش پرداز ی و داستانسرای پس از جلب اعتماد طعمه شان در ترمینال غرب تهران دست به سرقت مسلحانه زدند. تبهکاران مسلح پس از سرقت میلیاردری برای فرار در شهر های شمالی کشور دائما مخفیگاهشان را تغییر می دادند تا اینکه سایه پلیس را روی سرشان دیدند.

میهمانی شبانه

نخستین روز مهر ماه سال جاری منصور همراه همسرش از یک میهمانی به خانه باز می گشت که در میان راه با مردی آشنا شد که با چرب زبانی هایش توانست خود را به منصور نزدیک کند. مرد جوان وقتی دید منصور خیلی زود به او اطمینان پیدا کرده سفره دلش را برای او باز کرد و از سختی های زندگی با او صحبت کرد و همین کافی بود تا منصور شنونده خوبی برای حرف های مرد جوان شود و برای کمک به او به فکر فرو رود.

مرد غریبه در این مرحله ادعا کرد که اهل یکی از شهر های شمالی کشور است و به خاطر بیماری همسرش مجبور شده تا همه اموالش را به فروش برساند و تمام تلاشش بر این است که بتواند سلامت همسرش را بازگرداند.

طلاهای وسوسه انگیز

مرد غریبه که عیاض نام دارد در میان